حِکَمَ شارع در مدیریت امتثال در یوم الشک

31:21

شاگرد: فرمودید این چهار مورد چه چیزی را تقویت می‌کند؟

استاد: در هر چهار مورد لسان، لسان این است که چون فریضه است باید با یقین ادا شود.

شاگرد۲: سیرش از قبل اینگونه بود: حضرتعالی یک مبنایی را فرمودید؛ فرمودید این فقط استصحاب نیست. در «ازیده» دنبال این بودیم که نکات دیگری دارد ای نه. لذا بحث فرائض شد که این چهار مورد را بیان کردید.

استاد: درست است. ما در «ازیده» عرض کردیم که دو احتمال است. یکی همانی که مرحوم صدوق فرمودند، یکی دیگر این بود که «ازیده» اصالً کاری به نیت تو ندارد بلکه تشویق می‌کند که یوم الشک را نگیر. لذا دسته‌بندی روایات یوم الشک چهار رده دارد. اگر از نظر تب‌هبندی مد نظر شارع در مدیریت امتثال آن‌ها را در نظر بگیریم، اول روایاتی که رقم اول را می‌خورد روایات ناهی است. «نهی رسول الله عن صوم یوم الشک». یعنی شارع در مقام مدیریت امتثال خودش بقاء شریعت و استیعاب شریعت را ملاحظه می‌کند؛ همه امت اسلامی می‌خواهند انجام بدهند، بعد بسیاری از چیزهایی که به‌عنوان مصالحی در زمینه امتثال عباد است را ملاحظه می‌کند. آن‌ها چه بودند؟ استمرار نظم، تسهیل و سماحت شریعت، تعظیم شعائری که خودترمیمی بود؛ اگر مثل بدن بخواهیم بگوییم می‌گویند سیستم امنیتی بدن. اینکه بدنه متشرعه شرع را در بین خودشان بزرگ نگه دارند، زنده نگه دارند و مرتب آن را به تقویت برسانند و موارد دیگری که ما نمی‌دانیم.

شاگرد: شما بقاء و استیعاب شریعت را موید بر نهی شارع از روز یوم الشک می‌گیرید، چطور شد که بیست و نه روز روزه گرفتم منافاتی با بقاء و استیعاب شریعت ندارد اما وقتی این یک روز روزه منافاتی با استیعاب شریعت دارد؟! اضافه شود مردم دیگر نمی‌توانند بگیرند؟ این یک روز روزه منافاتی با استیعاب شریعت دارد؟!

استاد: منظور شما این است که شارع چطور بگوید؟

شاگرد: من اینطور برداشت کردم که شما می‌فرمایید بقاء شریعت و استیعاب شریعت مؤید نهی از روزه این روز است. اگر شارع بخواهد بگوید این روز را روزه بگیرید منافات با استیعاب شریعت دارد. سؤال من این است که بیست و نه روز روزه گرفتن منافاتی با استیعاب شریعت ندارد اما این یک روز با استیعاب شریعت منافات دارد؟

استاد: آن چه که عرض ما است، این است: اگر نگاه شما این باشد که لسان یوم الشک و امثال آن، در طول انشاء وجوب ثبوتی صوم شهر مبارک است، دراین‌صورت به سؤال اول من جواب بدهید. شارع مقدس وقتی فرموده «کتب علیکم الصیام»، روزه ماه مبارک واقعی را واجب کرده ای روزه ماه مبارکی که شما می‌دانید ای ماه مبارکی که ولو شک دارید؟

شاگرد: اولی.

استاد: بسیار خب، به اتکاز همه هست که خداوند روزه شهر رمضان و ماه مبارک را واجب کرده است. پس وقتی شارع میگوید یک روز دیگر را هم روزه بگیری پس در مقام مدیریت امتثال است. این را قبول داری؟

شاگرد: بله.

استاد: خب اگر در مقام مدیریت امتثال هستیم ما مشکلی نداریم ولو لمصلحة خاصة، شارع یوم الشک را واجب کند. اما صحبت سر اول کلی است که عرض کردم قواعد همگرا در مدیریت امتثال است. یعنی شارع مقدس وقتی اوامر خودش را در فضای امتثال بندهاش مدیریت میکند طبق یک ضوابط متعددی که همه همگرا هستند این کار را میکند. اینکه در ماه مبارک بهخاطر حکمتی یک دفعه خلاف آنها را انجام بدهد، من حرفی ندارم.

شاگرد: اگر بگویی یوم الشک را روزه بگیری خلاف چیست؟ این قدر ماه مبارک مهم است که این روز را روزه بگیری تا از دستتان نرود.

استاد: اگر گفته باشد که ما مشکلی نداریم.

شاگرد: منظورم این است که چه محذوری دارد که باعث شود خلاف ظاهر شود؟ یعنی بیست و نه روز خلاف تسهیل نیست اما این یک روز خلاف تسهیل است؟

> 36:42

استاد: باوراتان میشود با اینکه پیامبر خدا که بین مردم بودند، در نقل شیعه بیاید نهی رسول الله و شافعیه بگوید روزه یوم الشک حرام است، باوراتان میشود شارع بگوید چون یوم الشک است حتماً باید همه شما بگیرید؟! خب این مسلمانان تابع چه کسی بودند و چه چیزی را نقل میکنند؟ شافعی میگوید حرام است. تنها حنفیه میگوید اهل فن که تفاوت بین ندب را میفهمند مانعی ندارد. و الا مالکیه میگویند مکروه است، حنبلیه میگویند مکروه است، حنفیه هم میگویند مکروه است.

شاگرد: ما روایت نهی را قبول میکنیم اما اینکه مطابق سهولت است موید شما نمیشود. اینکه روایت داریم که از آن نهی کردهاند درست است، اما اینکه بگوییم روزه گرفتن این روز منافات با سهولت دارد، موید بحث نیست.

استاد: کسی که یوم الشک یادش رفته است و دو-سه روز یوم الشک او شده، همه آنها را بگیرد یا نگیرد؟

شاگرد: اگر کمکم زیاد شود مخالف سهولت است. اما در اینجا بیست و نه روز بعلاوه یک روز است.

استاد: ببینید شما تنها روی سهولت تأکید میکنید. من بعداً میگویم که میقات الناس بودن آن چیز کمی نیست. در ماه مبارک و بقیه شهرها اینچنین است. میقات بقاء نظم است. یکی از ارکان مهم نظم است. تعظیم شعائر... .

شاگرد: یعنی یکی از میقاتهای خداوند یوم الشک است که چند سال یک بار پیش میآید. وقتی ماه را ندیدند یوم الشک میقات میشود. نمیدانند ماه رؤیت شده یا نه.

استاد: میقات به این معنا است؟! میقات یعنی تقویم. یعنی اشتراک اناس بر اینکه امروز پانزدهم ماه مبارک است. قبلاً از آن بحث کردهایم. این میقات است: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ[1]»؛ یعنی بدانید دهم ذی الحجه چه زمانی است، عرفه چه زمانی است. آن وقت کی روز سوم الشک میقات شود؟! این اصلاً معنای میقاتی که من عرض میکنم نیست. میقات مهمترین شیء برای نظم امور است. یکی از ارکان نظم است. لذا من مشکلی ندارم که شما بهدلیل خاص بگویید شارع روزه سوم الشک را واجب کرده اما کی نحو استثناء میشود بین دهها قاعدهای که وقتی شما به همه آنها نگاه میکنید این کی نحو استثناء از آنها میشود.

شاگرد: اصل ماه رمضانی که قرار است هر سال سر جایش باشد میقات است، ولی اینکه این میقات امروز شروع میشود یا فردا، این شروعش نیز محل موضوعیت است؟ مثلاً اصل وجود میقات مانند غدیر است که هیچ سالی نباید فراموش شود، عید قربان هم نباید فراموش شود، اگر کی سالی بیایی که عید قربان بالکل زیر سؤال برود بله، دیگر میقات نیست. خب خود وجود ماه رمضان میقات است. اما اینکه حتماً شروع آن امروز باشد یا اگر فردا باشد میقات به هم میخورد؟

استاد: آن چیزی که شما میفرمایید مراتب میقات بودن است. اینکه اصل ماه مبارک تکرار میشود درست است. خود وجودش کی نحو میقات است. میتوانیم بگوییم دو ماه دیگر ماه مبارک می-آید. این درست است. اما وقتی میخواهد بین مردم انجام شود، لمعیشتهم... . روایت ذیل آن را ببینید. دو نفر موافعده میکنند؟ چه زمانی؟ مثلاً بیستم ماه مبارک. این میقات میشود؟! او امروز بیایی و دیگری هم فردا بیایی؟!

شاگرد: آنکه همان اول معلوم است. الآن محل تردید روز اول است. من نمیدانم امروز ماه رمضان است یا فردا، ولی پس فردا معلوم میشود که ماه رمضان چه زمانی بوده.

استاد: از کجا معلوم میشود؟ اول ذی الحجه است، سوم الشک شد و شما میخواهید عید قربان بگیرید، چه زمانی عید است؟

شاگرد: مگر ما میگوییم نمیدانیم پانزدهم ماه چه زمانی است؟!

استاد: شما طبق آیه جواب بدهید. «قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ»؛ میقات حج است. چه زمانی میخواهد عید قربان باشد؟ سوم الشک را چه کار کنیم؟

شاگرد: طبق فرمایش شما روز اول ماه مبارک که به هم خورد حج هم به هم میخورد، غدیر هم به هم میخورد.

استاد: ماه بعد آن را میبینند. این ماه ندیدهاند.

شاگرد: ماه بعد ممکن است منوط بر همین ماه بشود.

استاد: ممکن هم هست نباشد. شما در ذی الحجه را بگویید. ماه ذی القعده را دیده بودیم؛ کامل شد. ذی القعده تا بیست و نهم آمد و سیام آن سوم الشک شد برای ذی الحجه. دهم هم میخواهد حج باشد، «میقات للناس و الحج»، خب سوم الشک را چه کار کنیم؟ شارع خیلی روشن میگوید سوم الشک برای ماه قبل است، تمام. سوم الشک هست یا نیست؟ خب چرا شارع میفرماید؟ استصحاب است. هزاران قاعد دیگر که اینها صغریان آنها هستند همه همگرا هستند. شارع که چیز جدیدی نیاورده است. با این حساب میقات محقق میشود.

[1] البقره ۱۸۹

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 12:04:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 12:06:20 توسط ... .